

## **The Relationship between Oil and Economic Security of the Islamic Republic of Iran; Explain and Provide a Solution for the Future**

**Asghar Eftekhari\***

Received: 11/04/2021

**Amir Hossein Khorshidi Athar\*\***

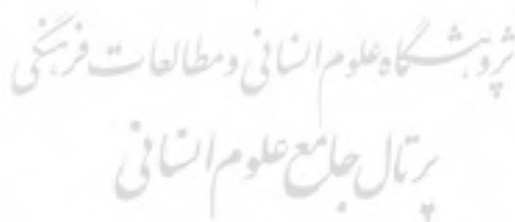
Accepted: 15/06/2021

### **Abstract**

Countries around the world have faced many economic ups and downs in recent decades, which has changed the approach of economic analysis to security analysis, and especially economic security. Oil is no exception, and its relationship to economic security has always been a concern for governments. The main question of this article is what is the solution to strengthen the economic security in the field of oil for Iran? By examining and explaining the relationship between oil and economic security of the Islamic Republic of Iran in four areas: access to energy, power development, growth of wealth and independence, the current situation of the country was evaluated. This article forms an oil value chain to provide a solution to strengthen Iran's economic security in the field of oil and explains the impact of this chain formation on Iran's economic security in the areas such as access to energy, power development, growth of wealth and independence.

### **Keywords**

Oil; Economic Security; Islamic Republic of Iran; Value Chain.



---

\* Professor of Political Science, Faculty of Islamic Education and Political Science, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. a.eftekhari@isu.ac.ir

\*\* M.A. Student of Islamic Education and Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (Corresponding Author). a.khorshidi@isu.ac.ir

## رابطه نفت و امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران؛ تبیین و ارائه راهکاری برای آینده پیشرو

اصغر افتخاری<sup>۱</sup>، امیرحسین خورشیدی اطهر<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۲

### چکیده

کشورهای جهان با فرازونشیب‌های اقتصادی زیادی در دهه‌های اخیر روبه‌رو شده‌اند که باعث تغییر رویکرد تحلیل‌های اقتصادی به سمت تحلیل‌های امنیتی و به‌خصوص امنیت اقتصادی شده است. نفت نیز از این ماجرا دور نمانده است و رابطه آن با امنیت اقتصادی همواره یکی از دغدغه‌های دولت‌ها بوده است. سؤال اصلی این مقاله این است که راهکار تقویت امنیت اقتصادی در حوزه نفت برای کشور ایران چیست؟ که با بررسی و تبیین رابطه نفت و امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در چهار حوزه: دسترسی به انرژی، ارتقای قدرت، رشد ثروت و عدم وابستگی وضعیت موجود کشور مورد ارزیابی قرار گرفت. این مقاله برای ارائه راهکار تقویت امنیت اقتصادی ایران در حوزه نفت به تشکیل زنجیره ارزش نفت می‌پردازد و تأثیر تشکیل این زنجیره را بر امنیت اقتصادی ایران در حوزه‌های: دسترسی به انرژی، ارتقای قدرت، رشد ثروت و عدم وابستگی، بررسی و تبیین می‌نماید.

### واژگان کلیدی

نفت؛ امنیت اقتصادی؛ جمهوری اسلامی ایران؛ زنجیره ارزش.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. استاد علوم سیاسی، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران  
a.eftkhari@isu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
a.khorshidi@isu.ac.ir

## مقدمه

**بیان مسئله:** نفت از دهه‌های گذشته نقشی مهم در فضای اقتصادی کشورها و به‌خصوص فضای اقتصاد سیاسی کشورهای تولیدکننده و اقتصادهای آمریکای شمالی ایفا کرده است؛ این در حالی است که علاوه بر نگرانی اصلی سیاست‌گذاران نسبت به رابطه نفت و امنیت، این مهم کمتر مورد توجه اقتصاددانان بوده است (Metcalf, 2013, p. 2). رابطه تنگاتنگ انرژی و مسئله قدرت در دو قرن گذشته، پارادایم‌های بین‌المللی خاصی را به‌وجود آورده و امنیت کشورها را در پیوندی تردیدناپذیر با مسائل بین‌المللی قرار داده است به‌طوری که می‌توان گفت انرژی و امنیت ملی دو مقوله به‌هم پیوسته قلمداد می‌شوند. این پژوهش ضمن تبیین رابطه امنیت و نفت در جمهوری اسلامی ایران به ترسیم چشم‌انداز پیشروی این مسئله و راهکارهای متناسب با آن می‌پردازد.

**اهمیت:** کشورهای جهان با فرازونشیب‌های اقتصادی زیادی در دهه‌های اخیر روبه‌رو شده‌اند که باعث تغییر رویکرد تحلیل‌های اقتصادی به‌سمت تحلیل‌های امنیتی و به‌خصوص امنیت اقتصادی شده است (Kahler, 2005, p. 23). این پژوهش از آنجاکه به تقویت مطالعه میان‌رشته‌ای اقتصاد و علوم سیاسی می‌پردازد دارای اهمیت نظری است. در کنار این موضوع از آنجاکه با مطالعه رابطه نفت و امنیت جمهوری اسلامی به بررسی ویژگی‌های بومی ایران می‌پردازد دارای اهمیتی کاربردی نیز می‌باشد.

**ضرورت:** با توجه به ویژگی‌های کلان اقتصادی کشور و وابستگی اقتصادی به نفت در نیم‌قرن گذشته از یک‌سو و تحولات و امنیت منطقه از سوی دیگر، تبیین رابطه میان امنیت و نفت برای کشور ایران ضرورتی مهم قلمداد می‌شود که ماحصل آن وضعیت کنونی اقتصاد ایران است و در صورت عدم انجام این تبیین، نمی‌توان درک درستی از تأثیر تحولات بر اقتصاد ایران و به‌خصوص امنیت اقتصادی ایران داشت و چشم‌انداز اصلاحات اجتماعی و سیاسی و امنیت پایدار ناممکن به‌نظر می‌رسد. از این‌رو و با این توصیف پژوهش حاضر دارای ضرورت کاربردی است.

**اهداف:** تقویت گفتمان مطالعه میان‌رشته‌ای اقتصاد و علوم سیاسی هدف عمده این پژوهش است. تبیین تأثیر تحولات امنیتی و نفت جمهوری اسلامی ایران و راهکارهایی برای کمتر شدن آسیب‌پذیری کشور از رویدادها و تحولات منطقه نیز به‌عنوان اهداف فرعی قلمداد می‌شوند.

**سؤال‌ها و فرضیه:** سؤال اصلی این مقاله این است که راهکار تقویت امنیت اقتصادی در حوزه نفت برای کشور ایران چیست؟ در همین ارتباط سؤالات فرعی عبارت‌اند از: الف) کارکرد نفت در دسترسی به منابع برای تأمین امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران چیست؟، ب) کارکرد نفت در تحقق عدم وابستگی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران چیست؟، ج) کارکرد نفت در رشد ثروت جمهوری اسلامی ایران چیست؟ و نهایتاً د) کارکرد نفت در ارتقای قدرت جمهوری اسلامی ایران چیست؟

### ۱. پیشینه پژوهش

پیشینه این تحقیق در دو حوزه به شرح زیر است:

**الف:** متونی که به بررسی رابطه امنیت منطقه و نفت پرداخته‌اند. که در این میان برخی مقالات با در نظر گرفتن این نکته که یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر امنیت ملی کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده انرژی، نفت است، به بررسی رابطه نفت بر امنیت ملی ایران پرداخته‌اند که می‌توان به مقاله اطاعت و نصرتی (۱۳۹۰) اشاره کرد که با در نظر گرفتن جایگاه نفت ایران در دنیا به این نتیجه می‌رسد که در دوره حاکمیت گفتمان ژئواکونومیک، ایران باید با استفاده از دیپلماسی انرژی با اتخاذ رویکرد تعاملی و پرهیز از اتخاذ مواضع تقابلی از انرژی به‌عنوان یک فرصت برای تعامل با نظام بین‌الملل و ارتقای امنیت ملی استفاده نماید. در ادامه سرمست و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود به بررسی تأثیرات نفت بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴ پرداخته‌اند. ایشان در نهایت ریشه‌های آسیب‌پذیری و تقویت امنیت سیاسی ناشی از درآمدهای نفتی را تجزیه و تحلیل کرده‌اند و نتیجه می‌گیرند که سیاست‌ها و آثار کلی واردشده در اقتصاد، سیاست و اجتماع طی این دوران (۱۳۶۸ - ۱۳۸۴) تا حدود بسیار زیادی متأثر از نفت بوده و نتایج آن در قالب تورم، افزایش حجم نقدینگی و ... قابل مشاهده است و پیشنهاد می‌کنند که نفت با مدیریتی صحیح و خردمندانه می‌تواند موتور توسعه ملی کشور شود. اما در دسته دیگر می‌توان دید که برخی پژوهش‌ها نیز به بررسی رابطه نفت و امنیت منطقه می‌پردازند. کاظمی (۱۳۸۶) در مقاله خود ضمن بررسی و تحلیل مفهوم امنیت و رویکردهای نظری آن، پدیده امنیت منطقه‌ای را برای ایجاد امنیت ملی (با بهره‌گیری از ذخایر نفت) در کشورهای مسلمان خاورمیانه، رویکردی واقع‌بینانه توصیف کرده و

بهره‌برداری جمهوری اسلامی ایران را از این ظرفیت، جهت تحقق امنیت ملی مورد بررسی قرار داده است. در ادامه نیز حشمت‌زاده (۱۳۸۹) در مقاله خود با اشاره به پیوند اساسی نفت و اقتصاد و سیاست (ثروت و قدرت) به جایگاه ممتاز نفت خلیج فارس در معادله ثروت و قدرت جهان در ادوار گذشته می‌پردازد. ایشان در ادامه این مقاله اشاره می‌کنند که چند دهه گذشته به دلیل بحران‌های شدید و مستمر در این حوزه (چه با فشار درون منطقه‌ای یا ناشی از علل فرامنطقه‌ای)، مصرف‌کنندگان بزرگ به‌ویژه آمریکا و غرب با دستاویزهای امنیت، نقش این حوزه را به حاشیه برده‌اند و لذا شاخص‌های نفتی چون سهم این حوزه از ذخایر، تولید و صادرات جهانی نامتناسب و نامتعادل است. اما روند افزایش تقاضا و مصرف به دلیل رشد جمعیت جهان و رشد اقتصادی، بازیگران بزرگ را ناچار می‌کند که در چند دهه آینده، بازگشتی دوباره به این حوزه داشته باشند و این رویکرد می‌تواند این منطقه را در جایگاهی متناسب با قابلیت‌ها و ظرفیت‌های انرژی خود قرار دهد، اما این اقبال به دلایل گوناگون می‌تواند فرصت‌ها و چالش‌هایی جدی ایجاد کند و در این رابطه چند سناریو محتمل است که در انتهای مقاله مورد اشاره قرار می‌گیرد.

ب: متونی که به بررسی جایگاه نفت به عنوان ابزاری در سیاست خارجه ایران پرداخته‌اند. مسعودی پور و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه خود به بررسی ژئوپلیتیک انرژی و تأثیر آن بر سیاست خارجی ایران (۱۳۹۶-۱۳۵۷) پرداخته‌اند. ایشان در این مقاله نتیجه می‌گیرند که: در دهه ۵۰ انرژی نقش مهمی را در تنظیم روابط و مناسبات سیاست خارجی ایران با دنیای بیرونی داشت. پس از پیروزی انقلاب، انرژی نه به منزله ابزاری کارآمد جهت تقویت بنیه نظامی کشور و یا تسلط بر منطقه، بلکه همچون اهرمی علیه «استکبار جهانی»، مورد نظر قرار گرفت. در دهه ۱۳۸۰ رویکرد تعامل با بازیگران نظام بین‌المللی و تنش‌زدایی در سیاست خارجی ایران در صدر برنامه‌های دولتی قرار دارد و با استفاده از استراتژی و ژئوپلیتیک انرژی سعی در تعامل با کشورهای عمده مصرف‌کننده انرژی که صاحبان سرمایه و تکنولوژی نیز هستند، می‌شود. از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ نیز این سیاست تنش‌زدایی در سیاست خارجی ایران به همراه عدالت‌محوری و نگاه به شرق وجود دارد؛ در زمینه ژئوپلیتیک انرژی نفت در این دوران اهرم فشار (تحریم) به صورت جدی و شدید بر ایران سایه افکنده بود. از سال ۱۳۹۲ تاکنون سیاست خارجی ایران دو برنامه متفاوت را در

خصوص ژئوپلیتیک انرژی به خود دیده است. در بخش اول دوران رونق در بحث تعاملات انرژی و در نیمه دوم وجود تحریم‌های پی‌درپی و شدید موجب محدودیت‌هایی برای جمهوری اسلامی ایران در تأمین انرژی جهانی شده است. در ادامه پوراحمدی (۱۳۸۸) در مقاله خود با آسیب‌شناسی رابطه سیاست خارجی و انرژی، از منظری دیگر به بازنمایی اهمیت آن‌ها و اهمیت توأمان ساختن کارکردهایی که تاکنون به صورت منفرد مورد ملاحظه قرار می‌گرفتند، می‌پردازد. ایشان با توجه به این که ایران از ذخایر عظیم نفتی برخوردار است اشاره می‌کنند که ایجاد تحول در شرایط عمومی بازیگری منطقه‌ای و بین‌المللی کشور نیازمند مدنظر داشتن راهبردهای بلندمدت بخشی و از جمله برای سیاست خارجی است که آن‌هم معلول نگاه اقتصادی به خط‌مشی‌گذاری سیاست خارجی است.

با تأمل در متون بالا مشخص می‌شود که عموم نویسندگان به جایگاه نفت در اقتصاد و سیاست ایران نگاه ویژه‌ای داشته‌اند. گرچه برخی پژوهشگران به تأثیرپذیری نفت از امنیت منطقه و نیز تأثیرگذاری بر آن تطفن ویژه‌ای داشته‌اند اما این نوع نگاه نیاز به بررسی و تدقیق مجدد دارد چراکه این رابطه در عصر حاضر وارد عرصه جدیدی شده است که کمتر در گذشته بدان توجه می‌شده است. علاوه بر این، این مقاله سعی نموده در کنار بررسی این رابطه، در نهایت به بررسی نفت از بعد امنیت اقتصادی با تعریف مدنظر این مقاله پرداخته و راهکاری با توجه به این شرایط جدید ارائه دهد.

## ۲. مبانی مفهومی و نظر

### ۲-۱. امنیت

نعمتی و بیگدلو (۱۳۹۳) بیان می‌دارند که: «اگر بخواهیم در کنار کالاهای خصوصی مانند غذا، پوشاک و سرپناه که از ضروریات اولیه زندگی انسان هستند از کالاهای عمومی چند کالا نام ببریم، بدون شک امنیت نخستین آن‌هاست چراکه بدون آن زندگی بشر تفسیری ندارد و بدون آن نوبت به بهره‌مندی انسان از سایر مواهب زندگی نمی‌رسد». پیچیدگی مفهوم امنیت باعث می‌شود که ابعاد مختلف آن غالباً جداگانه مورد بررسی قرار گیرند. به معنای وسیع کلمه، مفهوم «امنیت» شامل امنیت نظامی، امنیت اقتصادی، امنیت انرژی، امنیت محیطی و غیره است

(Tamošiūnienė, 2015, p 3). آنچه این پژوهش از امنیت (به معنای عام آن) در نظر دارد، مفهوم آرامش منطقه و تنش‌هایی که سابقاً در قیمت نفت اثر می‌گذاشتند.

## ۲-۲. امنیت اقتصادی

بوزان (۱۹۹۱، ص. ۱۹) اظهار می‌دارد که امنیت اقتصادی مربوط به دسترسی به مواد اولیه، منابع مالی و بازارهایی است که برای حمایت از سطح قابل قبول ثروت و قدرت در یک کشور مورد نیاز است. علاوه بر این، تسرتلی (۲۰۰۸، ص. ۱۶)، با رویکردی مشابه، اشاره می‌کند که مفهوم امنیت اقتصادی به امنیت طولانی مدت در دسترسی به فرصت‌های اقتصادی در بازارها و منابعی مانند مردم (سرمایه انسانی)، سرمایه مالی، انرژی، آب، فناوری و آموزش اشاره دارد. در کنار این تعاریف، برخی اقتصاددانان نیز امنیت اقتصادی را به معنای توانایی تاب‌آوری اقتصادها در مواجهه با شوک‌ها و تهدیدات اقتصادی می‌دانند (سنسگوف، ۲۰۰۲؛ ترهوف، ۲۰۰۸؛ ساوین، ۱۹۹۵؛ ابالکین، ۱۹۹۴؛ آتامانوف، روگاسیوف، ۲۰۰۹).

در میان این تعاریف می‌توان اظهار داشت که رویکرد اسلامی به امنیت اقتصادی چیزی فراتر از این تعاریف است. اسلام معتقد است که گرچه مسئله اقتصاد یک امر مادی است، اما رابطه مستقیمی با آرامش جامعه دارد که همین امر موجب می‌شود نگاه به امنیت اقتصادی از نگاهی صرفاً اقتصادی و یا صرفاً سیاسی با نگاهی مرکب از سیاست، اقتصاد و اجتماع بدان پرداخته شود. نعمتی و بیگدلو (۱۳۹۳) امنیت را به دلیل این که دایره مفهومی گستره و مفصلی دارد با مفهوم بنیادی «الگوی سبک زندگی» بیان می‌کنند. به تعبیر ایشان، اجرا و پایبندی به این الگو که ساحت‌های مختلف زندگی اجتماعی را در برمی‌گیرد به معنای وجود امنیت است، به عبارتی در هستی‌شناسی (چیستی) امنیت، به «اجرا و پایبندی به یک الگوی سبک زندگی» باید اشاره شود (نعمتی و بیگدلو، ۱۳۹۳، ص. ۷). به تعریف شهید مطهری اقتصاد سالم یعنی «اقتصادی که جریان ثروت و منابع اولیه به نحوی باشد که بر ثروت که یگانه وسیله مادی و پایه‌ای از پایه‌های زندگی است بیفزاید و قدرت ملی را در تحصیل مسائل مادی و معنوی زندگی مضاعف کند» (مطهری، ۱۳۸۹، ص. ۲۰۱). طبق تعاریف پیش‌تر اشاره شده، امنیت اقتصادی به معنای حمایت از سطح قابل قبول ثروت و قدرت است که در بیان شهید مطهری همین مفهوم در واژه اقتصاد سالم بیان گردیده است

اما آنچه نظر اسلام را فراتر از نظرات دیگر اندیشمندان می‌کند، این است که امنیت اقتصادی فقط حول محور حمایت از وضعیت موجود و ثبات اقتصادی نیست بلکه مفهوم امنیت اقتصادی با «حیات و قابلیت رشد و نمو ثروت» و با «تضعاف قدرت اقتصادی» در کنار «قائم‌به‌ذات و بی‌عیب و غیرقائم به‌غیر» بودن، تعریف پیدا می‌کند (مطهری، ۱۳۸۹، صص. ۱۸ و ۲۰۱). بر این اساس، این پژوهش مؤلفه‌های امنیت اقتصادی را این‌گونه بیان می‌کند: «مؤلفه‌های امنیت اقتصادی در برقراری امنیت و اجرای سبک زندگی عبارت است از: حیات و رشد ثروت، بقا و ارتقای قدرت و قائم‌به‌ذات و بی‌عیبی و غیرقائم به‌غیر بودن».

### ۲-۳. رابطه نفت با امنیت

کمپ (۱۳۸۶) ایران را در وسط بیضی استراتژیک انرژی جهان (نفت) می‌داند که محل پیوند اروپا، آسیا و آفریقا است و از این رو ایران را یکی از مهره‌های تأثیرگذار در قدرت جهانی می‌داند (کمپ، ۱۳۸۶، ص. ۱۳). در این قسمت به نظریه‌های مختلف پیرامون رابطه نفت و امنیت اقتصادی و نیز این رابطه با مطالعه ایران می‌پردازیم.

#### ۲-۳-۱. نظریه‌های پیرامون امنیت اقتصادی و نفت

به نظر هاو (۲۰۰۸، ۱۱۱-۱۰۸)، مطالعه اقتصاد جهان براساس سه رویکرد اصلی است که علاوه بر اینکه می‌تواند پارادایمی برای مفهوم‌سازی آن باشد، به‌عنوان ایدئولوژی‌هایی برای افزایش امنیت اقتصادی نیز قابل فهم است. با توجه به این مواضع مختلف ایدئولوژیکی، دیدگاه‌های مختلفی را درباره اولویت‌های گفتمان امنیت اقتصادی ایجاد می‌کنند. با این حال، در حال حاضر، این گفتمان با توجه به دستور کار لیبرال و پیامدهای اجرای آن در زمینه تجارت، تولید و دارایی شکل می‌گیرد (بوزان و دیگران، ۱۹۹۸، ص. ۹۶). انرژی نقشی مهم در امنیت اقتصادی عرضه‌کنندگان و مصرف‌کنندگان کشورها دارد که از این رو هر یک از طرف‌های عرضه‌کننده یا مصرف‌کننده انرژی نگرانی‌های ویژه خود را دارند که این نگرانی‌ها پیوند عمیق امنیت اقتصادی و انرژی را نشان می‌دهد. بررسی این پیوند در ادبیات اقتصادی در مفهوم امنیت انرژی خلاصه شده است (ملکی، ۱۳۹۸). همان‌گونه که اشاره شد برخی اقتصاددانان میان دسترسی به انرژی و اقتصاد رابطه‌ای برقرار کرده‌اند و معتقدند که هرچه میزان دسترسی به انرژی بیشتر باشد، امنیت اقتصادی برقرار خواهد بود. این



اقتصاددانان جهت نشان دادن این رابطه مفهومی را تحت عنوان امنیت انرژی تعریف کرده‌اند ((Yergin, 2006), Sovacool & Mukherjee (2011), Sovacool (2011)). آنچه از بررسی ادبیات اقتصادی موجود راجع به مقوله امنیت انرژی به دست می‌آید این است که این رابطه عموماً از نظرگاه مصرف‌کننده مورد بررسی قرار می‌گیرد (ملکی، ۱۳۹۸) و کمتر به نظرگاه عرضه‌کننده آن پرداخته شده است. آنچه این مقاله بدان می‌پردازد بررسی امنیت انرژی (یا به تعبیر دیگر امنیت اقتصادی و نفت) در بخش عرضه‌کننده است. ملکی (۱۳۹۸) در تعریف امنیت انرژی برای عرضه‌کنندگان بیان می‌کند که امنیت انرژی از دیدگاه عرضه‌کننده عبارت است از حصول اطمینان از عدم اختلال در تجارت انرژی و آسیب‌پذیری واحد عرضه‌کننده در صورت اختلال که در این زمینه امنیت تقاضای انرژی به معنی حصول اطمینان از تداوم تقاضا برای انرژی در قیمت باثبات و بالا است.

### ۲-۳-۲. نظریه‌های نفت و امنیت با مطالعه کشور ایران

کرباسیان (۱۳۷۵) اذعان می‌دارد که رشد و توسعه ایران بدون سطح و کیفیت قابل‌قبولی از امنیت اقتصادی محقق نخواهد شد (کرباسیان، ۱۳۷۵، ص. ۵۱) از این‌رو صادقی و همکاران (۱۳۹۵) بیان می‌کنند که متغیر نفت با امنیت ملی ایران که اقتصاد آن در طی یک‌صد سال گذشته وابسته به درآمدهای ارزی حاصل از آن بوده، پیوندی عمیق یافته است. با توجه به این مطلب که رشد اقتصادی ایران و نیز حجم عظیمی از سرمایه‌گذاری‌های کلان ملی، به درآمدهای ارزی حاصل از صادرات این منبع انرژی وابسته است، نوسان‌های درآمدهای نفتی، امنیت اقتصادی ایران را به‌خصوص در پرتو تحریم‌های بین‌المللی یک دهه اخیر تضعیف نموده است (صادقی و همکاران، ۱۳۹۵، صص. ۲۶-۲۷). در ادامه گرجی و هاشمیان (۱۳۸۶) با بررسی عوامل و ساختارهای امنیت اقتصادی، به رابطه عمیق امنیت اقتصادی و ابعاد اجتماعی پرداخته و نتیجه می‌گیرند که با توجه به این رابطه، نمی‌توان اظهار داشت که نفت با توجه به نوسانات زیاد قیمتی و درآمدی بتواند امنیت اقتصادی و رفاه و آسایش مردم را تأمین کند (گرجی و هاشمیان، ۱۳۸۶، صص. ۶۳-۶۵). در کنار این نظرات، برخی نیز به جایگاه ژئوپلیتیک ایران در زمینه انرژی پرداخته‌اند و رابطه ژئوپلیتیک انرژی و امنیت انرژی ایران را مورد بررسی و تحقیق قرار داده‌اند و نتیجه گرفته‌اند که

ژئوپلیتیک انرژی تأثیر شگرف و مستقیمی بر امنیت ملی و منافع ملی می‌گذارد (محرابی و دیگران، ۱۳۹۲، صص. ۱۵-۱۶).

از نظریات فوق می‌توان دریافت که از آنجاکه در اقتصاد سیاسی ایران بیشتر درآمدهای ارزی از منابع نفتی تأمین می‌شود لذا می‌توان دریافت که نظام بودجه‌ریزی همیشه به درآمدهای حاصله از نفت برای حفظ امنیت ملی و امنیت اقتصادی وابسته است (Stern, 2996, pp. 377-379). این مقاله به مقوله امنیت اقتصادی و رابطه آن با نفت می‌پردازد. براساس نظریه‌ها و بررسی‌های فوق، رابطه نفت و امنیت اقتصادی در حوزه‌های زیر می‌باشد:

#### اول) دسترسی به منابع

**الف) امنیت انرژی از دید عرضه‌کنندگان:** همان‌گونه که اشاره شد، این مقاله امنیت انرژی از دید عرضه‌کنندگان و امنیت تقاضای انرژی را مورد بررسی قرار می‌دهد که با تعریف ملکی (۱۳۹۸) عبارت است از حصول اطمینان از عدم اخلال در تجارت انرژی و آسیب‌پذیری واحد عرضه‌کننده در صورت اخلال و امنیت تقاضای انرژی به معنی حصول اطمینان از تداوم تقاضا برای انرژی در قیمت باثبات و بالا.

**ب) امنیت انرژی از دید تقاضاکنندگی (دسترسی به انرژی):** امنیت انرژی از دید تقاضاکنندگی (دسترسی به انرژی) فارغ از عرضه‌کنندگی یا تقاضاکنندگی انرژی، با امنیت اقتصادی رابطه تنگاتنگی دارد که در بالا نیز بدان اشاره شده است. هرچه میزان دسترسی به انرژی بیشتر باشد، امنیت اقتصادی بیشتری برقرار خواهد بود (Yergin, 2006). به عبارت بهتر می‌توان اذعان داشت که اطمینان از تأمین انرژی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای تولید، به مقدار لازم و به قیمت قابل قبول امنیت انرژی از دید تقاضاکننده است (ملکی، ۱۳۹۸).

#### دوم) ارتقای قدرت

**الف) ژئوپلیتیک انرژی:** جایگاه ژئوپلیتیک ایران در زمینه انرژی موضوعی مهم و مورد تدقیق بسیاری از اندیشمندان مختلف بوده است که رابطه ژئوپلیتیک انرژی و قدرت ایران را مورد بررسی و تحقیق قرار داده‌اند و نتیجه گرفته‌اند که ژئوپلیتیک انرژی تأثیر شگرف و مستقیمی بر امنیت ملی، منافع ملی و نهایتاً قدرت ایران می‌گذارد. از دیدگاه

کمپ (که در مورد ژئوپلیتیک انرژی ایران تحقیق بسیاری کرده است) ایران در منطقه حساس و ناامن انرژی در جهان قرار دارد که با تولید قدرت به‌ویژه در عرصه انرژی بر این ناامنی غلبه کند (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۰، ص. ۱۲۳).

ب) امنیت ملی: همان‌گونه که اشاره شد اقتصاد سیاسی ایران بیشتر به درآمدهای ارزی از منابع نفتی وابسته است لذا می‌توان دریافت که نظام بودجه‌ریزی همیشه به درآمدهای حاصله از نفت برای حفظ امنیت ملی وابسته است (Stern, 1996, pp. 377-379) که کاهش حساسیت بازار نفت به تحولات منطقه می‌تواند یک دلالت بسیار مهم برای تحلیل‌گران نظامی و دفاعی باشد و نهایتاً امنیت ملی کشور را به خطر بیندازد.

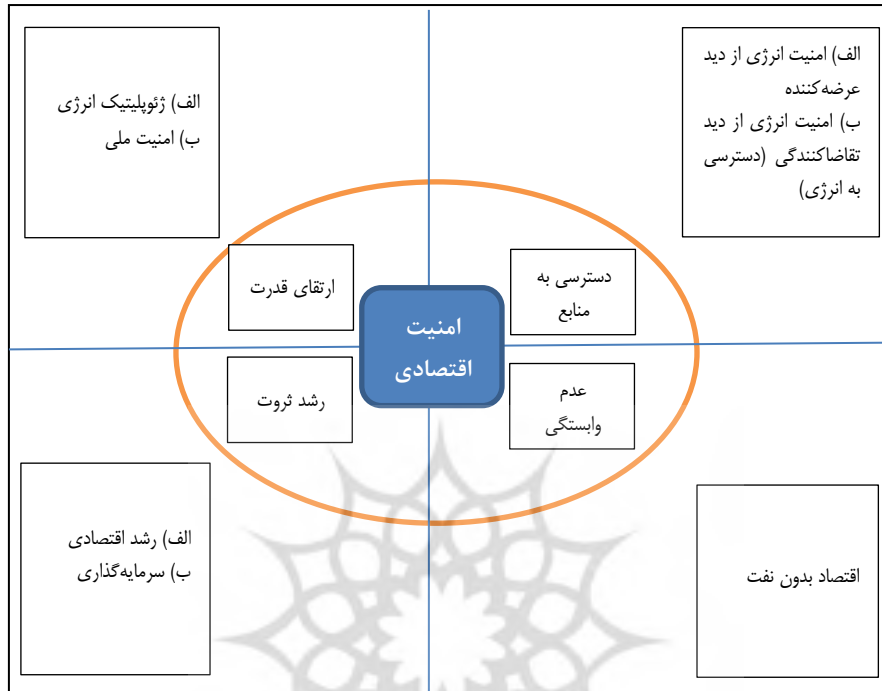
#### سوم) رشد ثروت

الف) رشد اقتصادی: اغلب مطالعات تجربی موجود در زمینه رشد اقتصادی و کشورهای نفتی نشان از آن دارد که کشورهای صاحب منابع طبیعی فراوان اغلب دارای رشد اقتصادی پایین‌تری نسبت به سایر کشورها دارند (صیادی و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۴). در این خصوص (Auty (۱۹۹۳) برای اولین بار در نوشته خود واژه نفرین منابع را وضع کرد و بیان داشت: «شواهد جدید نشان می‌دهد نه تنها ممکن است کشورهای دارای منابع طبیعی غنی در بهره‌مند شدن از این مواهب سودمند شکست بخورند بلکه ممکن است به‌طور بالقوه عملکرد بدتری از کشورهایی داشته باشند که دارای مواهب نیستند. این نتایج بحث‌برانگیز بنیان نظریه نفرین منابع است». اسماعیلی رزی و همکاران (۱۳۹۴) دلیل رابطه نامتناسب بین درآمدهای نفتی و رشد اقتصادی را کاهش کیفیت نهادی و افزایش خطر سیاسی می‌داند (اسماعیلی رزی، ۱۳۹۴، ص. ۲۴).

ب) سرمایه‌گذاری: نگاهی به تجربه کشورهای موفق در توسعه، نشان می‌دهد که انباشت سرمایه و سرمایه‌گذاری یکی از ارکان اصلی پیشرفت‌های اقتصادی آن‌ها بوده است. فخری‌زاده و همکاران (۱۳۹۷) به‌منظور تبدیل ثروت زیرزمین به ثروت حقیقی بر روی زمین بیان می‌کنند که باید سرمایه‌گذاری کارایی از درآمدهای نفتی صورت پذیرد چراکه کارایی پایین سرمایه‌گذاری باعث کاهش تولید حقیقی و نهایتاً کاهش رشد اقتصادی خواهد داشت.

### چهارم) عدم وابستگی

به باور برخی پژوهشگران، رشد اقتصادی ایران و نیز حجم عظیمی از سرمایه‌گذاری‌های کلان ملی، صرفاً به درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت وابسته است که با توجه به نوسان‌های درآمدهای نفتی، امنیت اقتصادی ایران در دهه‌های اخیر تضعیف شده است. در این خصوص بسیاری از کشورها صندوق توسعه ملی را تشکیل داده‌اند تا از وابستگی خود صرفاً به نفت کاهش دهند. مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید: «عیب بزرگ اقتصاد ما وابستگی به نفت است. ما این مایع را از زیرزمین درآورده‌ایم، بدون هیچ‌گونه ارزش‌افزوده‌ای این پول نقد را - مثل پول نقد است - داده‌ایم دلار گرفته‌ایم، خرج امور جاری و امور زندگی کرده‌ایم؛ [این] غلط است. این صندوق توسعه‌ای که ما تشکیل دادیم، به‌خاطر همین بود که ما بتوانیم به‌تدریج خودمان را از نفت جدا کنیم. یکی از کارهایی که واقعاً باید در برنامه‌ریزی‌های کلان مسئولین اقتصادی ما قرار بگیرد همین است: باید کاری کنیم که وابستگی به نفت روزبه‌روز کمتر بشود» (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۹۸/۰۲/۲۴).



نمودار (۱): الگوی تحلیل رابطه نفت با امنیت اقتصادی

منبع: یافته‌های تحقیق

### ۳. کارکردهای نفت در حوزه امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی

نفت از دهه‌های گذشته نقشی مهم در فضای اقتصادی کشورها و به خصوص فضای اقتصاد سیاسی کشورها ایفا کرده است؛ این در حالی است که علاوه بر نگرانی اصلی سیاست‌گذاران در مورد نفت و امنیت اقتصادی، این مهم کمتر مورد توجه اقتصاددانان بوده است (Metcalf, 2013, p. 2). آنچه در این قسمت بدان اشاره می‌شود، واکاوی رابطه حوزه‌های امنیت اقتصادی و نفت است که با توجه به شرایط عصر حاضر، به بررسی جزئی این رابطه پرداخته می‌شود.

#### ۳-۱. نفت و ارتقای قدرت

مسئله قدرت در میان اندیشمندان مختلف و متفکران سیاسی، اهمیت بالایی داشته و دارد به گونه‌ای که مفهوم امنیت همواره به عنوان متغیر وابسته به آن در نظر گرفته می‌شود. نفت

به‌عنوان یک کالای استراتژیک از دیرباز در اقتصاد سیاسی کشورها نقش جدی ایفا کرده است و در برخی موارد به‌عنوان ابزار قدرت مورداستفاده قرار گرفته است. این که نفت چه نقشی در ارتقای قدرت و امنیت اقتصادی ایران دارد و جایگاه کنونی آن در ایران چگونه است، از مباحث این قسمت می‌باشد.

### ۱-۳-۱. ژئوپلیتیک انرژی

مسائل ژئوپلیتیک انرژی از چنان اهمیتی برخوردار است که به اعتقاد برخی، روابط سیاسی آمریکا با چین، اروپا و روسیه و همچنین روابط اروپا و روسیه تحت‌تأثیر این مسئله است. تأثیر ژئوپلیتیک انرژی بر قدرت اقتصادی و نهایتاً امنیت اقتصادی ایران امری غیرقابل‌انکار است. همان‌گونه که اشاره شد یکی از مؤلفه‌های امنیت اقتصادی، ارتقای قدرت است و در این خصوص، ژئوپلیتیک انرژی، نقشی محوری بازی می‌کند و همان‌گونه که یآوری (۱۳۹۳) بیان می‌دارد یکی از مهم‌ترین مباحث در حوزه انرژی، مسئله ژئوپلیتیک انرژی است و از چنان اهمیتی برخوردار است که امروزه امنیت ملی و اقتصادی و طرح‌ریزی قدرت براساس کنترل بر منابع انرژی سنجیده می‌شود (یآوری، ۱۳۹۳، ص. ۱).

یکی محوری‌ترین بحث‌ها در زمینه ژئوپلیتیک انرژی ایران، بحث در مورد جزیره هرمز است. بخش عمده صادرات نفت منطقه از طریق دریا و به‌واسطه تنگه هرمز انجام می‌گیرد به‌طوری که براساس آمار کپلر، تنگه هرمز به‌عنوان گلوگاه اصلی مبادلات نفتی جهان قرار دارد و در سال ۲۰۱۹، ۲۰ درصد از عرضه نفت جهان از این منطقه صورت گرفته است. آن‌چنان‌که در جدول (۱) آمده است در بین هفت تنگه مهم نفتی، تنگه هرمز به‌دلیل انتقال ۱۹ میلیون بشکه در روز (حدود ۲۰ درصد تولید نفت دنیا) یکی از تنگه‌های استراتژیک در انتقال نفت می‌باشد. قسمت عمده صادرات گاز نیز از طریق این تنگه به سایر نقاط دنیا انتقال پیدا می‌کند (EIA, 2017). جدول (۱) خلاصه‌ای از ترانزیت نفت و میعانات پتروشیمی ترانزیت‌شده از تنگه‌ها و کانال‌های مختلف حیاتی دنیا را از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶ نشان می‌دهد. مطابق این جدول، یکی از تنگه‌های استراتژیک انرژی در دنیا (و مهم‌ترین آن‌ها) تنگه هرمز می‌باشد. با توجه به این جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ویژه، این تنگه در سیاست منطقه‌ای ایران دارای جایگاه مهم و تعیین‌کننده‌ای است و ایران درصدد بهره‌گیری از اهرم کنترل بر تنگه هرمز جهت مهار

رقبای جهانی و منطقه‌ای خود و افزایش قدرت خویش بوده است (گودرزی و محمدزاده ابراهیمی، ۱۳۹۶، ص. ۱۹).

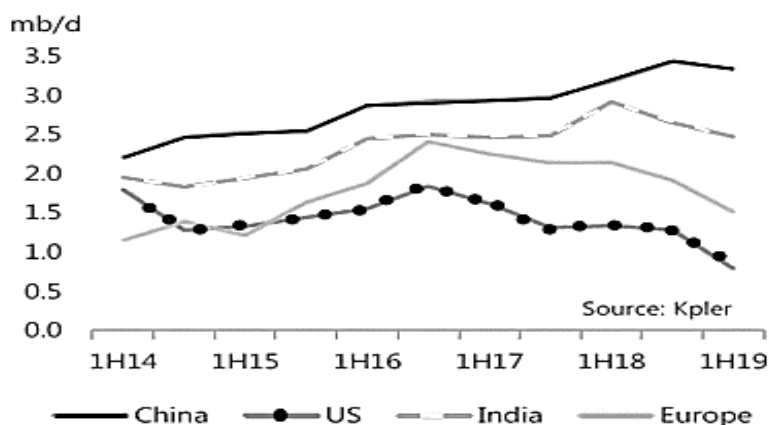
**جدول (۱): نفت و میعانات پتروشیمی ترانزیت شده از نقاط مختلف طی**

**سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶**

عنوان	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶
تنگه هرمز	۱۷	۱۶/۸	۱۶/۶	۱۹/۹	۱۷	۱۸/۵
تنگه مالاگا	۱۴/۵	۱۵/۱	۱۵/۴	۱۵/۵	۱۵/۵	۶
کانال سوئز و خط لوله SUMED	۳/۸	۴/۵	۴/۶	۵/۲	۵/۴	۵/۵
باب المندب	۳/۳	۳/۶	۳/۸	۴/۳	۴/۷	۴/۸
تنگه دانمارک	۳	۳/۳	۳/۱	۳	۳/۲	۳/۲
تنگه ترکیه	۲/۹	۲/۷	۲/۶	۲/۶	۲/۴	۲/۴
کانال پاناما	۰/۸	۰/۸	۰/۸	۰/۹	۱	۰/۹
دماغه امید نیک	۴/۷	۵/۴	۵/۱	۴/۹	۵/۱	۵/۸

منبع: گزارش سالانه EIA, 2017

اما باین وجود و با نگاهی به نمودار (۱) می‌توان دریافت که این تنگه در آینده به هیچ وجهی نمی‌تواند امنیت خود و جایگاه استراتژیک خویش در ارتقای قدرت ایران را تضمین کند چراکه عمده نفت منتقل شده از این تنگه به رقیب تجاری ایالات متحده، یعنی چین صادر می‌شود و درصد واردات نفت ایالات متحده از این تنگه به‌طور محسوسی در حال کاهش است که اگر این روند ادامه پیدا کند و امنیت انرژی (از دید تقاضاکننده) ایالات متحده کمتر به این تنگه وابسته شود، بروز رخدادهای امنیتی که امنیت منطقه و نهایتاً امنیت اقتصادی ایران را به‌وسیله کاهش اهمیت ژئوپلیتیک انرژی ایران، کاهش خواهد داد. تنگه هرمز همواره به‌عنوان ابزار قدرت در دست ایران بوده است که با کاهش امنیت و اهمیت آن، این ابزار دیگر توانایی سابق در ارتقای قدرت را نخواهد داشت و پرواضح است که در نبود قدرت، امنیت اقتصادی نیز محقق نخواهد بود.



نمودار (۲): نمودار حجم نقل و انتقالات نفت از تنگه هرمز (نیمه نخست سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۹)

منبع: کپلر، ۲۰۱۹

در نگاه بعدی، می‌توان دید که عربستان سعودی، امارات متحده عربی و عراق، کشورهای دارای خطوط لوله میانبر عملیاتی برای انتقال نفت به پایانه‌های خارج از خلیج فارس هستند که در صورت تداوم و گسترش آن‌ها، جایگاه ژئوپلیتیکی ایران و جایگاه استراتژیک تنگه هرمز کمتر خواهد شد و هرچه جایگاه آن کمتر شود، قدرت ایران نیز کمتر خواهد شد که این خود مستقیماً بر امنیت اقتصادی تأثیر منفی می‌گذارد. شکل (۱)، خطوط لوله موجود نفت خام در منطقه (در سال ۲۰۱۳) برای دور زدن تنگه هرمز را نشان می‌دهد. در این خصوص عربستان سعودی در حال حاضر، از یک خط لوله ۱۲۰۰ کیلومتری که هسته اصلی نفت در استان شرقی را به پایانه دریای سرخ واقع در ینبوع متصل می‌کند، حدود ۲ میلیون بشکه در روز نفت خام ارسال و حدود ۶۰۰ هزار بشکه در روز نیز از مرزهای غربی صادر می‌شود. عراق هم در تلاش است تا از پایانه سیحان ترکیه نفت صادر کند و خطوط لوله جدیدی در پایانه‌های لبنان و سوریه بسازد. مذاکرات به‌منظور بازگشایی خط لوله عراق در عربستان سعودی موسوم به (IPSA) میان بغداد و ریاض انجام شده است که از بصره در جنوب عراق تا خط لوله شرقی غربی عربستان سعودی، امتداد دارد و ظرفیت حمل آن ۱/۶ میلیون بشکه در روز



است. امارات متحده عربی با خط لوله ۱,۵ میلیون بشکه در روز حبشان - فجیره، ۶۰۰ هزار بشکه در روز نفت انتقال می دهد.



شکل (۱): خطوط لوله موجود در منطقه

منبع: وبگاه شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران

جدول (۲) نیز ظرفیت موجود و قابل استفاده خطوط نفت خام منطقه برای دور زدن تنگه هرمز را نشان می دهد که با توجه به انتقال ۲۰ میلیون بشکه ای کنونی از این تنگه، پرواضح است که این عدد بسیار آسیب پذیر است.

جدول (۲): ظرفیت موجود و قابل استفاده خطوط نفت خام منطقه

ردیف	نام خط لوله	ظرفیت اسمی در زمان احداث	ظرفیت مورد استفاده در حال حاضر	ظرفیت قابل استفاده در شرایط ضروری	مالکیت
۱	حبشه - فجیره	۱/۸	در شرف راه اندازی	۱/۸	امارات
۲	کربوک - جیحان	۱/۶	۰/۴	۰/۵	عراق

ردیف	نام خط لوله	ظرفیت اسمی در زمان احداث	ظرفیت مورد استفاده در حال حاضر	ظرفیت قابل استفاده در شرایط ضروری	مالکیت
۳	کرکوک - بانپاس	۰/۳	تخریب شده است	تخریب شده است	عراق
۴	عراق - عربستان (IPSA)	۱/۶	به دلیل مشکلات سیاسی تعطیل است	۲/۷ (با فرض تزریق DRA)	عربستان
۵	شرق - غرب عربستان (Petroline)	۵/۱	۲/۵	۸/۳ (با فرض تزریق DRA)	عربستان
۶	ترانس عربی	۰/۵	به دلیل مشکلات سیاسی تعطیل است	۰/۵	عربستان
	مجموع	۱۰/۹	۲/۹	۱۳/۸	

منبع: ماهنامه اکتشاف و تولید، شماره ۹۲

در نهایت اینکه جایگاه ژئوپلیتیک ایران نقشی مهم در تقویت امنیت اقتصادی ایران دارد اما اتکای صرف به صادرات انرژی از تنگه هرمز توسط ایران می تواند زمینه کاهش قدرت اقتصادی ایران را فراهم آورد، از این رو ایران نیز درصدد است تا از ظرفیت های دیگر ژئوپلیتیکی خود در زمینه انرژی بهره برد که از آن ها می توان به خط لوله «گوره - جاسک» به عنوان یکی از بزرگ ترین خطوط لوله انتقال نفت منطقه غرب آسیا اشاره داشت که با ساخت این خط لوله نفت، ایران تنگه هرمز را دور می زند و زمینه استفاده از دیگر ظرفیت های ژئوپلیتیکی خود را فراهم می کند.

### ۲-۱-۳. امنیت ملی

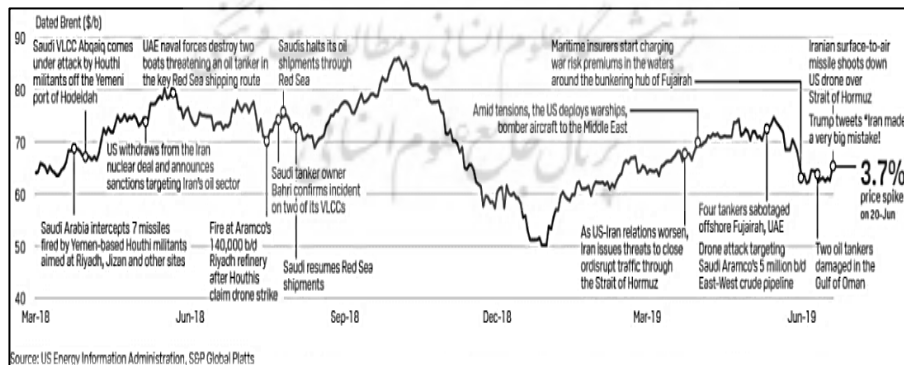
«نفت و مقوله امنیت ملی، خاصه امنیت سیاسی و اقتصادی همبستگی و تأثیرات متقابل فزاینده ای در دوران پس از انقلاب اسلامی در ایران دارد» (پرتوی و مرادنژاد سرای، ۱۳۹۲، ص. ۱۳). بنا به نظر مورگنتا هرچه قدرت ملی افزایش پیدا کند، موقعیت امنیتی

مستحکم می‌شود و هرچه امنیت ملی پایدارتر باشد، قدرت ملی بیشتر می‌گردد (ادوارد، ۱۳۷۹، ص. ۳۶).

در سال‌های اخیر با گذشت زمان، ارزش استراتژیکی نفت در منطقه کاهش داشته است و اتفاقاتی روی داده در آن چندان بر قیمت نفت اثری نداشته‌اند حتی در جریان معکوسی قیمت نفت کاهش یافته است.

کاهش حساسیت بازار نفت به تحولات منطقه می‌تواند یک دلالت بسیار مهم برای تحلیل‌گران دفاعی و امنیتی باشد و نوید افزایش مناقشات در این منطقه را دهد چراکه اهمیت حفظ ثبات در منطقه به جهت حساسیت بازار نفت به تنش در این منطقه مهم‌ترین دلیل جلوگیری از مناقشات در منطقه بود که هرچه مناقشه در این منطقه بیشتر شود، به‌مرور امنیت ملی کشورها به خطر می‌افتد و با کاهش امنیت ملی، قدرت کشورها کمتر شده و نهایتاً امنیت اقتصادی آنان کاهش پیدا می‌کند. شاید عمده‌ترین دلیل کاهش تأثیر متقابل بازار نفت و امنیت منطقه، رشد تولید نفت در کشور آمریکا باشد که در ادامه نیز به آن خواهیم پرداخت.

نمودار (۲) وقایع مختلف در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ در منطقه خلیج فارس را نشان می‌دهد که بر قیمت نفت تأثیرگذار بوده‌اند. همان‌طور که از نمودار می‌توان فهمید عملاً حساسیت بازار نفت نسبت به اخبار و وقایع گوناگون در سال‌های اخیر به‌ویژه پس از جنگ اعراب در منطقه کاهش پیدا کرده است.



نمودار (۳): تغییرات قیمت نفت در جریان وقایع مختلف در سال ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹

منبع: مؤسسه مطالعاتی سبحان انرژی به نقل از: PLATTS, 2019

نهایتاً اینکه آن‌چنان‌که مشخص است، مقوله امنیت ملی، رابطه مستقیمی با امنیت اقتصادی دارد و هرچه امنیت ملی را تقویت کند، امنیت اقتصادی را تقویت کرده است. از این‌رو بررسی رابطه امنیت ملی و نفت و گاز یکی از مهم‌ترین مباحث مهم در تحلیل‌های دفاعی و امنیتی است، چراکه در گذشته از نفت به‌عنوان کالایی استراتژیک که موجب ایجاد ثبات در منطقه و مقوم امنیت ملی ایران بوده است، نام برده می‌شد ولی باگذشت زمان و مطابق داده‌های نمودار (۳) این حساسیت کمتر شده است؛ پس می‌توان نوشت که امروزه نفت نقش گذشته در امنیت ملی ایران را بازی نمی‌کند لذا تأثیر کمتری بر امنیت اقتصادی ایران می‌گذارد.

جدول (۳) به بررسی تأثیر مؤلفه‌های قدرت بر امنیت اقتصادی ایران با توجه به توضیحات فوق و نیز تأثیر این مؤلفه‌ها بر امنیت اقتصادی می‌پردازد. نیاز به این توضیح ضروری به‌نظر می‌رسد که این جدول، کارکردهای نفت در امنیت اقتصادی در حوزه ارتقای قدرت را نشان می‌دهد.

**جدول (۳): کارکردهای نفت بر امنیت اقتصادی ایران در حوزه ارتقای قدرت**

مؤلفه‌های قدرت	ژئوپلتیک انرژی	امنیت ملی
امنیت اقتصادی ایران	با توجه به شرایط امروزه: فعلاً بدون تأثیر و با فرض عدم اقدام درست در این زمینه، در آینده تأثیر منفی	با توجه به شرایط امروزه: تأثیر مثبت اما با ادامه روند کاهش واردات نفت ایالات‌متحده از این منطقه: تأثیر منفی
امنیت اقتصادی	تأثیر مثبت	تأثیر مثبت

منبع: یافته‌های تحقیق

## ۳-۲. نفت و رشد ثروت

ثروت، یکی از حوزه‌های مهم امنیت اقتصادی است. یکی از مواردی که در امنیت اقتصادی مورد توجه است، حصول اطمینان از برخورداری از ثمره فعالیت‌هایی است که در زمینه تولید ثروت صورت می‌گیرد (برومند و دیگران، ۱۳۸۷، ص. ۲۵). از این‌رو یکی از حوزه‌هایی که در امنیت اقتصادی ایران باید مورد توجه باشد مسئله رشد ثروت است.

### ۳-۲-۱. رشد اقتصادی

تأثیر انرژی و به‌خصوص نفت بر رشد اقتصادی، امروزه در ادبیات متعارف بسیار مورد توجه قرار گرفته است؛ به‌طوری‌که آنچه اکنون مشاهده می‌کنیم این است که برخی از

اقتصاددانان محیط‌زیست تأکید بسیار زیادی بر نقش انرژی در تولید و رشد اقتصادی دارند (به‌عنوان مثال: هال و دیگران، ۲۰۰۱، ص. ۲۰۰۳) که خود علت این موضوع است که در تئوری‌های جدید رشد اقتصادی، انرژی عامل مهمی شمرده شده است. بارنی و فرانزی (۲۰۰۲) بیان می‌کنند که انرژی علت حداقل نیمی از رشد صنعتی در اقتصاد مدرن است، درحالی‌که کمتر از یک‌دهم هزینه تولید را تشکیل می‌دهد. اما رویکردها نسبت به میزان تأثیر آن در رشد اقتصادی یکسان نیست. برای مثال برنت و وود انرژی را به‌عنوان یک عامل تولید در نظر می‌گیرند که ارتباط ضعیفی با نیروی کار دارند و تابعی برای رشد مطابق تابع زیر پیشنهاد می‌دهند (Stern, 2000, p. 3):

$$Q=F(G(K.E).L) \quad (1)$$

برخی دیگر نیز انرژی را تنها عامل مؤثر بر رشد اقتصادی در نظر گرفته‌اند. مدل بیوفیزیکی توسط اقتصاددان اکولوژیست آیرس و نایر (۱۹۴۸) بیان می‌دارند که تولید مستلزم صرف مقادیر فراوانی انرژی است، لذا انرژی تنها عامل و مهم‌ترین عامل رشد است. نیروی کار و سرمایه نیز عوامل واسطه‌ای هستند که برای به‌کارگیری، به انرژی نیاز دارند (Stern, 2000, p. 4) به‌این ترتیب اگر تولید را تابعی از نهاده‌های سرمایه، کار و انرژی در نظر بگیریم، خواهیم داشت:

$$Q = f(K.L.E) \quad (2)$$

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نفت به‌عنوان یک نهاده انرژی باید بر رشد اقتصادی اثری مثبت بگذارد که از این طریق بر امنیت اقتصادی تأثیر مثبتی خواهد گذاشت اما آنچه در کشورهای نفتی مشاهده می‌شود این است که نفت به‌مثابه افزایش ثروت در این کشورها، با روند صنعتی شدن هماهنگی ندارد و سیاست‌هایی که در راه تشویق یک مورد به‌کار گرفته می‌شود، تحقق دیگر برنامه‌های توسعه‌ای را دشوار و ناممکن می‌کند (خلعتبری، ۱۳۷۳، صص. ۲۰-۱۸). با این وجود، دلاوری و همکاران (۱۳۸۷) با بررسی داده‌های مربوطه، نشان می‌دهند که اثر منفی کاهش قیمت نفت بر رشد اقتصاد ایران، بیش از اثر مثبت افزایش قیمت نفت بر رشد اقتصادی ایران است (دلاوری و دیگران، ۱۳۸۷، ص. ۱۴).

مطابق بیان فوق می‌توان نتیجه گرفت که گرچه رشد قیمت نفت و به‌تبع آن افزایش درآمد نفتی، بر رشد اقتصادی ایران و رشد ثروت ایران و نهایتاً افزایش امنیت اقتصادی

تأثیر مثبتی می‌گذارد؛ اما کاهش قیمت نفت و کاهش درآمد نفتی به مراتب اثر منفی‌تری بر رشد اقتصادی و امنیت اقتصادی ایران می‌گذارد.

### ۲-۳. سرمایه‌گذاری

درآمدهای نفتی اگر به‌صورت هزینه‌های جاری در کشور مصرف شود، اثر چندانی بر اقتصاد در بلندمدت نخواهد گذاشت و نیز درعین حال اقتصاد را به تک‌محصولی شدن و کاهش ضریب امنیت اقتصادی سوق می‌دهد. باین‌وجود، یکی از دلایل تشکیل صندوق ملی توسعه در کشورها این است که از مصرف درآمد نفتی در هزینه‌های جاری کشورها جلوگیری کند. از این‌رو درآمدهای نفتی باید به‌سمت سرمایه‌گذاری در فعالیت‌ها و توسعه بخش‌های دیگر اقتصادی سوق پیدا کند. هرچه درآمد نفتی به‌سمت سرمایه‌گذاری در طرح‌ها و فعالیت‌ها سوق پیدا کند، رشد ثروت در بلندمدت و میان‌مدت با شیب سریع‌تری اتفاق خواهد افتاد. از این‌رو حسینی‌نسب و دیگران (۱۳۹۳) و صیادی و دیگران (۱۳۹۵) نشان می‌دهند که مدیریت درآمدهای نفتی با استفاده از صندوق توسعه و هزینه‌کرد بخشی از درآمدهای نفتی به‌صورت سرمایه‌گذاری دولتی باعث تقویت فعالیت‌های بخش خصوصی می‌شود اما به‌دلیل کارایی کم مخارج عمرانی و زیادی سهم مخارج جاری میزان تأثیر بر رشد و گسترش تولید بخش غیرنفتی در ایران ناچیز است.

مطابق بیان فوق می‌توان به‌طور خلاصه مؤلفه‌های رشد ثروت بر امنیت اقتصادی و نیز تأثیر این مؤلفه‌ها بر امنیت اقتصادی ایران را در جدول زیر نشان داد. توضیح این نکته ضروری است که براساس داده‌های ماحصل این پژوهش، رشد اقتصادی و نفت دارای رابطه مثبت بوده و نیز رابطه سرمایه‌گذاری و نفت نیز مثبت است. جدول زیر به کارکردهای نفت در امنیت اقتصادی در حوزه رشد ثروت می‌پردازد.

جدول (۴): کارکردهای نفت بر امنیت اقتصادی در حوزه رشد ثروت

سرمایه‌گذاری	رشد اقتصادی	مؤلفه‌های رشد ثروت
با توجه به شرایط حاضر، استفاده از درآمدهای نفتی در سرمایه‌گذاری می‌تواند رشد اقتصادی را افزایش دهد.	با توجه به شرایط امروزه و بنابر مطالعات انجام‌شده، تأثیر منفی کاهش قیمت نفت بر رشد اقتصادی بیشتر از تأثیر مثبت افزایش آن بر رشد اقتصادی است	امنیت اقتصادی ایران

مؤلفه‌های رشد ثروت	رشد اقتصادی	سرمایه‌گذاری
امنیت اقتصادی	تأثیر مثبت	تأثیر مثبت

منبع: یافته‌های تحقیق

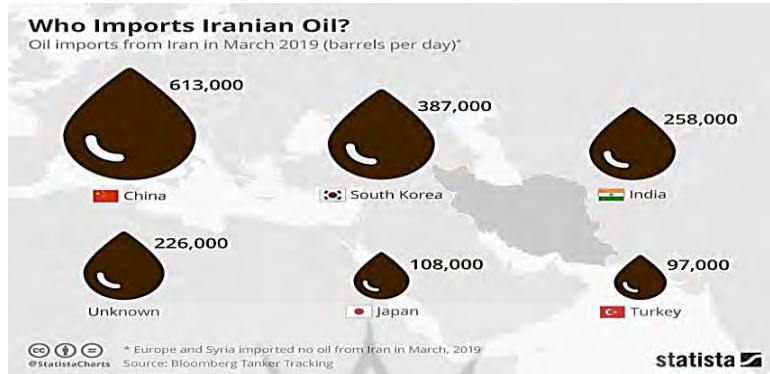
### ۳-۳. نفت و دسترسی به منابع

تعادل قوا در عرصه سیاسی کاملاً به مسئله انرژی خصوصاً انرژی خاورمیانه وابسته است، از این رو برخی از اقتصاددانان ثبات حاکمیت در منطقه خلیج فارس و تداوم یک رشد باثبات در کشورهای این منطقه را برای ثبات اقتصادی اروپا و تضمین امنیت عرضه انرژی این منطقه ضروری می‌دانند (Riyadh declaration, 2007). پژوهشگران معتقدند که هرچه دسترسی به منابع (امنیت انرژی از دید تقاضاکننده) بیشتر باشد و از این دسترسی به نحو بهینه و پایدار بتوان استفاده کرد (امنیت انرژی عرضه‌کننده)، امنیت اقتصادی بیشتر تأمین می‌گردد.

#### ۳-۳-۱. امنیت انرژی از دید عرضه‌کننده

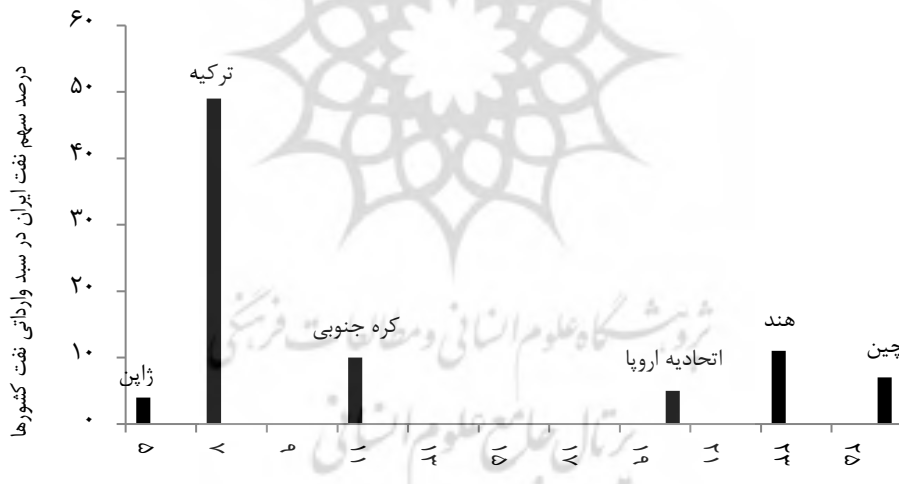
سهم کشورهای مختلف از صادرات نفت ایران در مارس ۲۰۱۹ طبق تصویر (۲) مشخص شده است. در سال ۲۰۱۸ نیز چین با سهم ۲۶ درصد از صادرات نفت ایران به‌عنوان اولین و بزرگ‌ترین واردکننده نفت از ایران نقش مؤثری در خرید نفت ایفا کرده است (Bloomberg, 2018). از دلایل خرید نفت ایران توسط چین می‌توان به سازگاری کارخانه‌های چین و هند با نفت ایران، تقابل با جنگ اقتصادی آمریکا علیه چین و دلایل سیاسی دیگری اشاره کرد که این نمودار علاوه بر این که آمار اقتصادی عرضه نفت را نمایان می‌سازد، وابستگی بازار عرضه نفت ایران به تقاضای دو کشور خریدار عمده نفت (چین و هند) را نیز نمایان می‌سازد که این خود می‌تواند بر اختلال در بازار عرضه در صورت بروز تحولات اقتصادی و غیراقتصادی بیفزاید. وابستگی عرضه نفت ایران به این دو کشور خود امنیت انرژی ایران را به خطر انداخته و نهایتاً امنیت اقتصادی ایران را کاهش می‌دهد. در این میان باید دید سهم نفت ایران از واردات نفتی این کشورها چند درصد

است تا بتوان امنیت انرژی ایران را در این خصوص بهتر مورد ارزیابی قرار داد. تقابل این دو آمار باهم نشان می‌دهد که امنیت انرژی ایران به‌عنوان عرضه‌کننده چقدر است (EIA, 2017).



شکل (۲): سهم مقاصد صادراتی نفت ایران در مارس ۲۰۱۹

منبع: بلومبرگ، ۲۰۱۹



درصد سهم خرید نفت ایران توسط کشورها

نمودار (۴): سهم مشتریان خرید نفت ایران در سبد صادراتی نفت ایران و سهم نفت ایران در

سبد وارداتی این کشورها (برحسب درصد)

منبع: موسسه مطالعاتی سبحان انرژی به نقل از: EIA, 2017



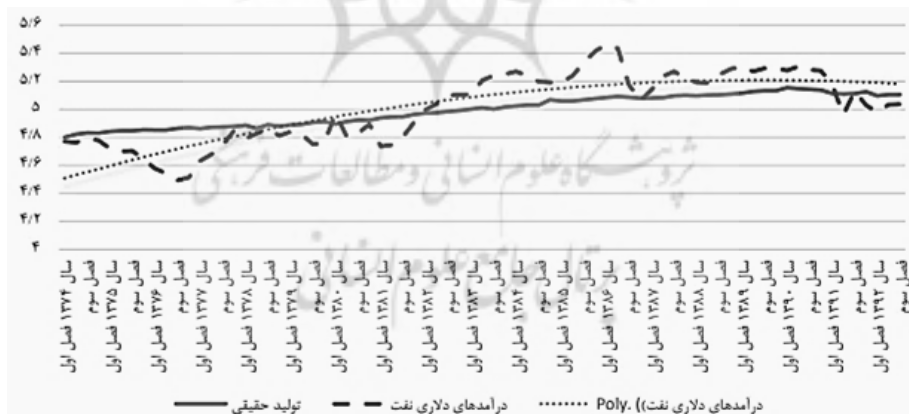
مطابق نمودار (۴) می‌توان دریافت که اگر کشوری، نفت بیشتری از ایران خریداری کند و اگر نفت ایران در سبد مصرفی انرژی آن کشور عدد بالایی باشد، امنیت انرژی ایران بیشتر تأمین خواهد شد و بدین وسیله امنیت اقتصادی کشور بیشتر خواهد شد.

### ۲-۳-۳. امنیت انرژی از دید تقاضاکنندگی (دسترسی به انرژی)

از نفت به‌عنوان یک موهبت الهی نام‌برده می‌شود که نشان از آن دارد که کشوری که از این موهبت برخوردار است، به‌دلیل آن که اطمینان تأمین انرژی به‌عنوان یک نهاده تولید بالاتری دارد، لذا از امنیت انرژی از دید تقاضاکننده بالاتری برخوردار است. هرچه این اطمینان بیشتر شود، امنیت اقتصادی بیشتر خواهد بود.

### ۴-۳. نفت و عدم وابستگی

وابستگی بودجه کشورها به نفت یکی از آسیب‌های جدی کشورهای نفتی می‌باشد که موجب تک‌محصولی‌شدن کشورها و درنهایت شکنندگی اقتصاد کشورها را افزایش و امنیت اقتصادی کشورها را کاهش می‌دهد. کشور ایران نیز بنا بر آمار رسمی، وابستگی زیادی به نفت داشته و دارد که مطابق نمودار زیر که روند درآمد دلاری نفت آورده شده است نشان از رابطه نزدیک این متغیر با درآمد دلاری نفت دارد.



نمودار (۵): رابطه تولید حقیقی و درآمد دلاری نفت

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

اقتصاد بدون نفت یا به تعبیر دیگر عدم وابستگی اقتصاد به نفت یکی از دغدغه‌های جدی حکمرانان ایران بوده است که همواره بدان اشاره کرده‌اند. اقتصادی که بر ستونی غیر از ستون نفت استوار نباشد، شکننده بوده و از امنیت اقتصادی پایینی برخوردار است.

#### ۴. بیان راهکار پیشنهادی

زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز از مراحل مختلف از اکتشاف و استخراج نفت و گاز تا تولید فرآورده‌ها و محصولات با ارزش افزوده بالا و بازاریابی، توزیع و عمده‌فروشی و خرده‌فروشی را شامل می‌شود. شرکت‌های بزرگ پالایشگاهی در دنیا برای تکمیل زنجیره ارزش خود و تضمین بازار فروش محصولات خود به حضور فعال در عرصه توزیع فرآورده‌های نفتی و خرده‌فروشی در سطح پمپ‌های بنزین در سراسر جهان نیز روی آورده‌اند. از این رو با توجه به پیش‌بینی کاهش سهم کشورهای اوپک در صادرات نفت می‌توان گفت، اتخاذ راهبرد افزایش ظرفیت پالایشگاهی، پتروشیمی و پتروپالایشگاهی کشور با اولویت دادن به شرکای راهبردی ایران (نظیر: عراق، لبنان و سوریه) علاوه بر این که در حال حاضر گزینه‌ای مناسب برای بی‌اثرسازی و مقابله با تحریم‌های آمریکا است، در آینده‌ای نزدیک نیز به تنها گزینه برای حفظ جایگاه کشور در بازار نفت و فرآورده‌های نفتی تبدیل خواهد شد و می‌توان گفت که اصلی‌ترین گزینه حفظ امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی در آینده خواهد بود. از این رو گسترش زنجیره ارزش نفت در لایه‌های زیرین راهبرد مهمی در افزایش امنیت اقتصادی است. تأثیر این راهکار در مؤلفه‌های امنیت اقتصادی به شرح زیر است:

#### ۴-۱. ارتقای قدرت

##### ۴-۱-۱. ژئوپلیتیک

با توجه به آنچه گفته شد، در آینده‌ای نه‌چندان دور تأثیر ژئوپلیتیک ایران بر انرژی جهان بسیار کمتر از امروز خواهد بود همان‌گونه که تأثیر آن امروز کمتر از دیروز است؛ از این رو با استفاده بهینه از این ژئوپلیتیک که از دریای خزر و شمال غرب کشور به قاره اروپا، از خلیج فارس به اقیانوس هند و از شرق به کشورهای جنوب شرقی آسیا متصل است می‌تواند بهترین استفاده از ظرفیت ژئوپلیتیک منطقه باشد.

تشکیل زنجیره ارزش نفت و گاز و تبدیل شدن کشور به قطب تولید زنجیره ارزش این ماده می‌تواند علاوه بر ایجاد قدرت اقتصادی، ژئوپلیتیک منطقه را نیز مجدداً احیا کرده و بر قدرت ژئوپلیتیکی آن بیفزاید. در این خصوص می‌توان تصور نمود که حتی با تشکیل شبکه زنجیره ارزش، علاوه بر استفاده از ظرفیت تولید نفت در داخل به سمت واردات نفت پیش برویم.

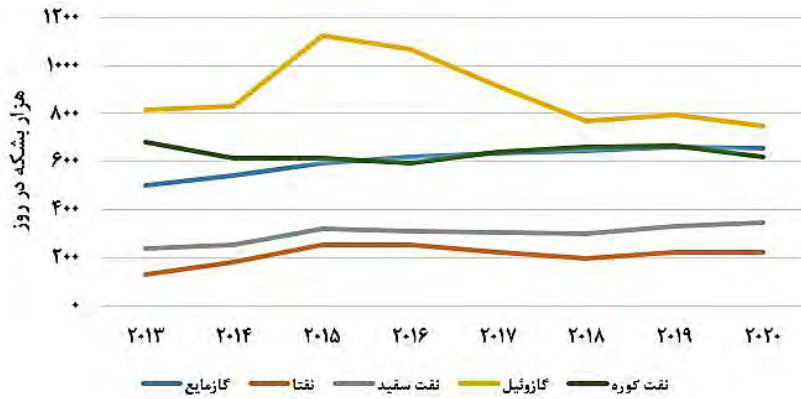
#### ۲-۱-۴. امنیت ملی

عبور کشورها از مصرف نفت به سمت مصرف محصولات پتروشیمی و پالایشی به حدی مهم بوده است که ژاپن با توجه به این که منابع نفتی در اختیار ندارد و پنجمین مصرف‌کننده بزرگ نفت و چهارمین واردکننده نفت خام در جهان در سال ۲۰۱۹ بوده است، ظرفیت پالایشی آن برابر ۳,۲ میلیون بشکه در روز است که رتبه ششم دنیا را به خود اختصاص داده است و از این طریق امنیت ملی خود را بالابرده است (<https://www.eia.gov/international/analysis/country/JPN>). از این رو تقویت این صنعت برای کشوری مثل ایران، بسیار مهم و ضروری به نظر می‌رسد. زنجیره ارزش نفت می‌تواند یکی از مهم‌ترین دستاوردهای کنشگر در آینده جهان باشد که از این رو تقویت این مهم، بستر افزایش امنیت ملی کشور را فراهم می‌کند.

#### ۲-۲. دسترسی به انرژی

##### ۲-۱-۴. امنیت انرژی از دید عرضه‌کننده

افزایش مصرف کشورهای دنیا به محصولات پالایشی و پتروپالایشی به حدی است که در دنیا اکنون با کمبود زیادی مواجه است. نمودار زیر قسمتی از این کمبود را در قاره اروپا نشان می‌دهد و با توجه به این که کشور ایران در سال ۹۳ به میزان ۸۰ هزار بشکه در روز گازوئیل و ۲۶۵ هزار بشکه در روز نفت کوره مازاد تولید داشته است و پیش‌بینی شده است در سال ۱۴۰۴ حداکثر به میزان ۴۳۰ هزار بشکه در روز نفت کوره، ۳۸۳ هزار بشکه در روز گازوئیل، ۱۱۴ هزار بشکه در روز نفت سفید و ۹۰ هزار بشکه در روز گاز مایع بیشتر از میزان مصرف خود تولید کند؛ می‌توان نتیجه گرفت که امنیت انرژی از دید عرضه‌کننده این محصولات بیشتر می‌تواند تأمین شود تا امنیت انرژی از دید عرضه‌کننده در بخش نفت خام.



نمودار (۶): میزان کمبود عرضه فرآورده‌های پالایشی اروپا

منبع: یافته‌های تحقیق

نمودار (۷) تولید و مصرف فرآورده‌های اصلی هیدروکربوری در کشور در سال ۱۳۹۸ را نشان می‌دهد. طبق این نمودار، در مجموع شاهد مازاد تولید این محصولات هستیم.



نمودار (۷): تولید و مصرف فرآورده‌های هیدروکربوری در سال ۱۳۹۸

منبع: وبگاه [vcstudy.ir](http://vcstudy.ir)

#### ۲-۲-۴. امنیت انرژی از دید تقاضاکنندگی (دسترسی به انرژی)

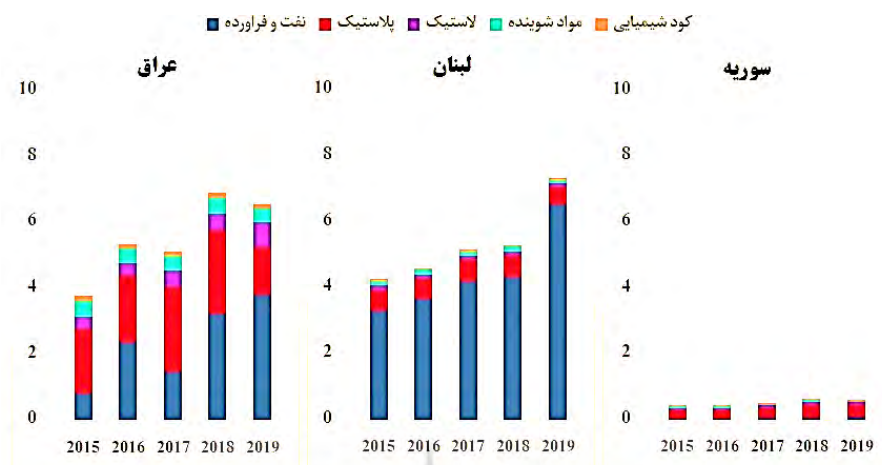
نفت و گاز به عنوان خوراک صنایع تکمیلی زنجیره ارزش نفت شناخته می‌شوند که با توجه به ظرفیت کشور در تولید این نهاده‌ها و نیز با توجه به حجم بالای این منابع در کشور، اطمینان در دسترس بودن انرژی و تأمین امنیت انرژی از دید تقاضاکننده تأمین خواهد شد. براساس آمارهای منتشرشده، ایران سومین دارنده ذخایر نفتی جهان پس از ونزوئلا و عربستان در سال ۲۰۱۸ حدود ۱۵۵ هزار میلیون بشکه ذخیره نفت خام است (OPEC, 2018).

#### ۳-۴. رشد ثروت

افزایش درآمدهای باثبات ارزی جمهوری اسلامی ایران، منوط به تنوع محصولات صادراتی کشور به خصوص در زمینه زنجیره ارزش نفت در کنار همکاری‌های پایدار با کشورهای دوست می‌باشد. هرچه جریان باثباتی از درآمدهای ارزی در کشور وجود داشته باشد، رشد اقتصادی پایدار و سرمایه‌گذاری بیشتری محقق خواهد شد.<sup>۱</sup> از ادبیات نظری پیرامون این مهم که بگذریم و با بررسی کشورهای همسایه ایران می‌توانیم جایگاه زنجیره ارزش را به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزار رشد ثروت را تبیین کنیم.

نمودار زیر واردات نفت و فراورده و محصولات پتروشیمی کشورهای راهبردی ایران را نشان می‌دهد. بر این اساس و با توجه به ظرفیت تولیدی کشور، ایجاد شبکه فروش محصولات با این کشورها درآمد باثبات ارزی کشور را تأمین می‌کند. این ارتباطات راهبردی می‌تواند زمینه‌ساز روابط تجاری نیز بشود که با توجه به ابعاد بزرگ و پایداری بیشتر اقتصاد ایران نسبت به کشورهای نامبرده در محور مقاومت، عمدتاً با نقش صادراتی ایران و واردات آن کشورها همراه خواهد بود. بخش بزرگی از اقتصاد کشور ایران از صنایع نفت و گاز تشکیل شده است که خوشبختانه سهم عمده‌ای از واردات کشورهای عراق، سوریه و لبنان را تشکیل می‌دهد. لذا صنعت نفت ایران یک فرصت برای تحکیم و افزایش روابط تجاری - راهبردی با کشورهای عراق، سوریه و لبنان است.

۱. مصاحبه خبرگزاری مهر، تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۹۷، کد خبر: ۴۴۰۸۳۰۶



#### نمودار (۸): واردات نفت، فرآورده و محصولات پتروشیمی همسایه‌های راهبردی ایران

(میلیارد دلار)

منبع: وبگاه شرکت نفت

مطابق نمودار (۸)، شرکای راهبردی این کشور، قریب به ۱۶ میلیارد دلار واردات نفت و فرآورده‌های زنجیره ارزش دارند که به نسبت رقم قابل توجهی است و می‌تواند به رشد باثبات ثروت و نیز ایجاد امنیت پایدار بیانجامد.

#### ۴-۴. عدم وابستگی

توصیه رهبر انقلاب به کاهش و حتی عدم وابستگی به نفت یکی از توصیه‌های اکید اقتصادی ایشان است؛ از این رو ایشان به جای خام‌فروشی نفت، توصیه می‌کنند که نفت به زنجیره ارزش‌هایی تبدیل شده و آن به فروش برسد. ایشان می‌فرمایند: «افلاً کاری کنیم که ارزش افزوده برای نفت درست کنیم؛... این‌ها اشکالات اساسی ما است. بایستی وابستگی را روزه‌روز به نفت کم کنیم» (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۹۷/۰۳/۰۲).

#### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

گرچه تحولات امنیتی منطقه بر قیمت نفت (و در نهایت درآمد نفتی کشورهای منطقه) تأثیر گذاشته است و نیز گرچه در گذشته عرضه نفت به عنوان ابزاری مهم در اعمال

فشار کشورهای منطقه به کشورهای دیگر بوده است، اما آنچه امروزه شاهدش هستیم این است که اهمیت این کالای استراتژیک برای ایران بسیار کمتر از اهمیت آن در عصر گذشته بوده است.

این مقاله با توجه به ویژگی‌های کلان اقتصادی کشور و وابستگی اقتصادی به نفت از یک سو و تحولات و امنیت منطقه از سوی دیگر، به تبیین رابطه میان امنیت اقتصادی و نفت برای کشور ایران پرداخت و این رابطه را در چهار حوزه: ارتقای قدرت، رشد ثروت، دسترسی به منابع و عدم وابستگی مورد ارزیابی قرار داد. در نهایت گرچه تأثیر نفت بر این حوزه‌ها و نهایتاً بر امنیت اقتصادی، مثبت می‌باشد، اما با توجه به بررسی‌های انجام‌شده در این مقاله و با توجه به شرایط اقتصادی ایران، تأثیر نفت بر امنیت اقتصادی ایران آن‌چنان‌که باید، نیست. این پژوهش با توجه به این تبیین از کارکرد نفت بر امنیت اقتصادی ایران، به ارائه راهکاری به جهت تقویت امنیت اقتصادی می‌پردازد و تشکیل زنجیره ارزش نفت را بهترین اقدام جهت افزایش امنیت اقتصادی کشور مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

#### کتابنامه

- ادوارد آزر و چونگ این مون (۱۳۷۹)، *امنیت ملی در جهان سوم* (پژوهشکده مطالعات راهبردی پژوهشکده مطالعات، مترجم). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی غیرانتفاعی.
- اطاعت، جواد؛ و نصرتی، حمیدرضا (۱۳۹۰). نفت، ژئواکونومیک و امنیت ملی ایران. *فصلنامه فضای جغرافیایی*، ۹(۳۶)، ۱۰۲-۶۵.
- برومند، شهزاد؛ فخرحسینی، سید فخرالدین؛ و امینی، صفیبار؛ شاه‌حسینی، سمیه (۱۳۸۷). *امنیت اقتصادی در ایران و چند کشور منتخب (مطالعه تطبیقی)* (چاپ اول). تهران: مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). *مردم، دولت‌ها و هراس* (پژوهشکده مطالعات راهبردی: مترجم) (چاپ اول). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ترکان، اکبر (۱۳۹۱). نقش گاز طبیعی در امنیت ملی ایران، روسیه و قطر؛ مطالعه تطبیقی، *فصلنامه راهبرد اقتصادی*، ۱(۱) ۱۹۸-۱۴۵.
- حشمت‌زاده، محمدباقر (۱۳۸۹). امنیت غرب و تقلیل جایگاه نفتی خلیج فارس: سناریوهای آینده. *فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی*، ۷(۲۵)، ۲۳۷-۲۱۳.

رابطه نفت و امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران ... / اصغر افتخاری و امیرحسین خورشیدی اطهر *مطالعات امنیت اقتصادی* ۳۱

خلعتبری، فیروزه (۱۳۷۳)، *مبانی اقتصاد نفت*. تهران: صابر.  
دلاوری، مجید؛ شیرین‌بخش، شمس‌الله؛ و دشت‌بزرگی، زهرا (۱۳۸۷). بررسی تأثیر قیمت نفت بر رشد اقتصادی ایران با استفاده از همگرایی نامتقارن. *فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی*، (۱۸)۵، ۶۵-۸۰.

سرمست، بهرام؛ خوش‌خطی، مهدی؛ و مرادنژادسرای، سولماز (۱۳۹۳). تأثیرات نفت بر امنیت سیاسی ایران از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴. *فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی ایران*، ۱۱(۴۳)، ۸۵-۱۰۲.

سلیمی ترکمانی، حجت (۱۳۹۳)، *حقوق بین‌الملل انرژی*، تهران: شهر دانش.  
صیادی، محمد؛ دانش‌جعفری، داوود؛ بهرامی، جاوید؛ و رافعی، میثم (۱۳۹۴). ارائه چارچوبی برای استفاده بهینه از درآمدهای نفتی در ایران؛ رویکرد تعادل عمومی تصادفی پویا (DSGE). *برنامه‌ریزی و بودجه*، ۲۰(۱۲۹)، ۲۱-۵۸.

کاظمی، سید حسن (۱۳۸۶). نفت و امنیت منطقه‌ای (منطقه‌گرایی خاورمیانه و نفت). *فصلنامه بررسی‌های مسائل اقتصاد انرژی*، ۳(۱۰)، ۶۳-۴۳.  
کریمی هسنیجه، حسین؛ و عباسلو، یاسر (۱۳۸۷). نفت یا گاز: مصرف نفت و گاز و تأثیر آن بر رشد اقتصادی ایران. *همایش ملی افزایش درآمدهای نفتی و ایجاد فرصت‌های شغلی*، حامی: دانشگاه آزاد اسلامی خمینی‌شهر.

گودرزی، مهناز؛ و محمدزاده ابراهیمی، فرزاد (۱۳۹۶)، «جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی تنگه هرمز در سیاست منطقه‌ای ایران»، *فصلنامه سیاست جهانی*، ۶(۳)، ۱۲۴-۱۰۳.

doi: 10.22124/wp.2017.2663

مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۰). ایران و ضرورت تشکیل پیمان دفاعی: رهیافت‌ها و فرایندها، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۵(۲۱)، ۱۳۵-۱۱۱.

محمدی، تیمور؛ بردبار، آزاده؛ و دقیقی اصلی، علیرضا (۱۳۹۱)، «بررسی علیت متقابل رشد اقتصادی و مصرف گاز طبیعی در جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران*، ۱(۳)، ۱۲۹-۱۰۷.

یاری، احسان (۱۳۹۴). ژئوپلیتیک انرژی و بازسازی قدرت روسیه. *فصلنامه جغرافیا*، ۱۳(۴۴)، ۲۵۹-۲۸۲.

Buzan, B., Wæver, O., Wæver, O., & De Wilde, J. (1998). *Security: A new framework for analysis*. Lynne Rienner Publishers.

Buzan, B. (1991). New patterns of global security in the twenty-first century. *International affairs*, 67(3), 431-451.



- Department of Energy, LNG Annual Report (2018), International Gas Union, 2018 World LNG Report
- ESMAP, Joint UNDP/World Bank Energy Sector Management Assistance Program (2016), "Cross-Border Oil and Gas Pipelines: Problems and Prospects, 2003"
- Andruseac, G. (2015). Economic security–new approaches in the context of globalization. *CES Working Papers*, 7(2), 232-240.
- Hough, P. (2008), Understanding Global Security, 2nd ed., Routledge, London.
- International Labour Organization (ILO) (2004), Economic Security for a Better World, Geneva, available at: <https://b2n.ir/t40558>
- Kahler, M. (2005), "Economic security in an era of globalization", available at: <http://irps.ucsd.edu/assets/014/6745.pdf> (accessed 18 November 2014)
- Mills, R. (2016). *Risky routes: energy transit in the Middle East*. Qatar: Brookings Doha Center.
- Sovacool, B. K. (2011). Evaluating energy security in the Asia pacific: Towards a more comprehensive approach. *Energy policy*, 39(11), 7472-7479.
- Sovacool, B. K., & Mukherjee, I. (2011). Conceptualizing and measuring energy security: A synthesized approach. *Energy*, 36(8), 5343-5355.
- Riyadh Declaration the Third Summit of Heads of State and Government of OPEC Member Countries, , Stability of Global Energy Markets, 17-18 November 2007
- Rosecrance, R. N. (1986). *Rise of the Trading State*. New York: Basic Books.
- Tsereteli, M. (2008). *Economic and energy security: connecting Europe and the Black Sea-Caspian region*. Silk Road Studies Program.